

یادداشت

کارگران زیر بار نخواهند رفت!

صادق کار



با این حساب لابد ثروتهای نجومی بادامچی ها و برادران عسگر اولادی ها و روسای پیشین عبدالملکی در کمیته امام هم بخاطر ضرری است که از بابت دستمزد "ناعدالانه" و زیاد از حد کارگران به این مستضعفین مسلمان وارد شده است و عبدالملکی بر خود واجب می داند این ظلمی را که بر این مولتی میلیاردهای مکتبی روا داشته می شود، با کسر کردن از دستمزدهای کارگران و دزدیدن از سفره فقرا جبران کند

به گزارش خبرنگار ایلنا، وزیر کار جدید در اولین واکنش رسانه‌ای خود از لزوم کنترل تورم برای بهبود معیشت کارگران سخن گفت. و ادعا کرد دستمزد را نمی‌توان به راحتی افزایش داد. او نهم شهریور در برنامه‌ی گفتگوی ویژه‌ی خبری شبکه دو سیما، مواضع قبلی خود را تکرار کرد و در ارتباط با دستمزد و بحران معیشتی کارگران گفت: «ما به دنبال در نظر گرفتن حد عادلانه‌ای از دستمزد هستیم که هم رفاه کارگران حفظ شود و هم کارفرمایان آسیب نبینند. بخش قابل توجهی از هزینه‌های کارفرمایان همین حقوق و دستمزد است و ما نباید کاری کنیم که کارفرمایان متضرر شوند

وزیر کار دولت رئیسی در نخستین گفتگوهای خود با رسانه‌ها به درخواست افزایش دستمزدها توسط کارگران و بازنشستگان و سایر مزدبگیران به شکلی که خبرگزاری ایلنا آن را منتشر کرد، جواب رد داد. جواب رد به درخواست افزایش دستمزد در شرایطی توسط وزیر کار داده می شود که خواست افزایش دستمزد به یک مطالبه سراسری تبدیل شده است، قیمتها و تورم با سرعت فزونی می یابند و ارزش دستمزدها پا به پای آنها راه سقوط را طی می کند

با وجود افزایش دم به دم تورم او اما بجای افزایش دستمزد های چهار مرتبه زیر خط فقر به کارگران و بازنشستگان وسایر مزد و حقوق بگیران وعده کاهش تورم و ارزانی را داد. این یک وعده سر خرمن است و بفرض هم اگر دولت بتواند چند درصد از تورم کنونی بکاهد، که کارشناسان امکان آن را در آینده نزدیک نمی بینند، فاصله چند فرسنگی بین دستمزدها و هزینه های زندگی را پر نخواهد کرد. کارگران همین امروز به افزایش دستمزد و قدرت خریدشان نیاز دارند و بادستمزدهای کنونی نمی توانند شکم خود و خانواده هایشان را سیر کنند، تا که برسد به هزینه های دیگر زندگی

از سوی دیگر مجلس در هماهنگی با دولت تمام مصوبات مرتبط با افزایش دستمزد مانند همسان سازی حقوق بازنشستگان، پرداخت فوق العاده به معلمان و افزایش دستمزد کارکنان رسمی نفت را که قبلاً تصویب شده بودند به حالت تعلیق درآورده است. همه شواهد



حاکمی از آن هستند که دولت و مجلس به جد مصمم هستند، تمام مصوبات مزدی را که خود در تصویب آنها قبل از انتصابات ریاست جمهوری نقش داشته‌اند، مسکوت بگذارند. اما بواسطه نگرانی از عکس العمل کارگران و بازنشستگان رفتار دوگانه‌ای را در برخورد با این قضایا در پیش گرفته‌اند. نمونه‌های بارز این رفتار را می‌توان در مورد رفع مانع افزایش حقوق کارکنان رسمی نفت و همسان سازی حقوق بازنشستگان مشاهده نمود. آنها راست و پوست کنده نمی‌گویند نمی‌خواهند آنها را اجرا کنند، امروز و فردا می‌کنند تا بلکه کارگران را خسته و قضیه را ماست مالی کنند. همین رویه را نیز در مورد همسان سازی حقوق بازنشستگان و با همان هدف دنبال می‌کنند.

گسترده‌گی اعتراضات باعث محتاط شدن آنها شده است، اما بهر صورت مصمم به پیشبرد سیاست تعدیل دستمزدهای تمام مزد و حقوق بگیران هستند. با این اوصاف بعید نیست در نهایت به سرکوب خشن تر روی بیاورند. افزایش پیگرد فعالین سندیکایی به احتمال قریب به یقین نیز این گمان را تقویت می‌کند. قضیه تعدیل البته محدود به دستمزد نیست. کاهش حق بیمه کارفرمایان، حذف سهم بیمه دولت، افزایش سهم درمان و داروی بیمه شدگان، کاهش حق سنوات، افزایش سن بازنشستگی و کاهش حقوق بازنشستگی را نیز در نظر دارند توسط همین دولت اگر بتوانند به انجام برسانند. این تغییرات اگر موفق به انجام آن بشوند به نوبه خود هزینه زندگی کارگران را بالا می‌برد و خود به نوعی تعدیل مزدی غیر مستقیم هستند. مقصود از هیچکدام از این اقدامات تعدیلی بر خلاف آنچه ادعا می‌کنند، برای ایجاد رفاه و عدالت واقعی نیست. کما اینکه نزدیک به ۴۰ سال است که این مشی را در پیش گرفته‌اند و خبری از عدالت و رفاه که نیست هیچ وضع ما نسبت به ۴۰ سال پیش از هر لحاظ بسی بدتر شده است. نتیجه آن هم پیش روی همه ما قرار دارد. اکثریت بزرگی در فقر مطلق و زیر خط فقر و غرق در فلاکت و بدبختی قرار دارند، اقلیت کوچکی به ثروتهای نجومی رسیده و برای خود زندگی شاهانه درست کرده‌اند. مقصود از این تعدیلات افزودن بر سود ثروتمندان حاکم و سرمایه داران متحد آنهاست.

از افزایش یارانه ها که آن همه در تبلیغات انتخاباتی رئیسی و رضایی معاون اقتصادی او به مردم وعده‌اش را داده بودند نیز فعلا خبری نیست. عبدالملکی از یک سو در بیانی متناقض از عادلانه کردن دستمزد سخن می‌گوید و در همان حال دستمزدهای چند مرتبه زیر! خط فقر کارگران را باعث "متضرر شدن" کارفرمایان می‌خواند

از فحوی کلام او به روشنی میتوان دریافت که او برای "متضرر" نشدن کارفرمایان نه تنها مایل به افزایش دستمزدها نیست، بلکه! مترصد فرصت است که اگر شرایط یاری اش کند دستمزدها را نیز کاهش دهد

معنی عادلانه کردن دستمزد معلوم می‌شود از نظر مهره اتاق های بازرگانی کاهش دستمزدها و خالی تر کردن سفره هایی است که تا! چند هفته پیش و عده پر کردن شان را می‌دادند

درست همان سیاستها و رویه دولت احمدی نژاد و روحانی را دارند نعل به نعل در مورد کارگران و حقوق شان دنبال می‌کنند

کاهش تورم و ارزان کردن قیمتها و عده کاذبی بیش برای فریب مردمی که بقول عوامل خود حکومتی ها دستمزدهایشان به زحمت هزینه های خورد و خوراک یک هفته شان را تامین می‌کند بیش نیست. خود وزیر کار نیز بهتر می‌داند که این کار سترگ از دولت ضعیف و مرتجع ای که او وزیر اش است ساخته نیست

اکثر کارشناسان اقتصادی از همان روزهای نخست پس از انتصاب رئیسی سعی کرده‌اند این را به او حالی کنند. صعود شتابان قیمتها و تورم نیز در همین مدت کوتاه نشان می‌دهد که تورم به این زودیها خصوصا با وجود این دولت و مجلس نادان و فاسد، بجای کاهش افزایش خواهد یافت

ایلنا در اشاره به اظهارات عبدالملکی در خصوص بحث دستمزدها به نقل از او نوشت: ما به دنبال در نظر گرفتن حد عادلانه‌ای از دستمزد هستیم که هم رفاه کارگران حفظ شود و هم کارفرمایان آسیب نبینند. بخش قابل توجهی از هزینه‌های کارفرمایان همین حقوق و دستمزد است و ما نباید کاری کنیم که کارفرمایان متضرر شوند. من نشست‌های بسیاری با تشکل‌های کارگری داشتم و کارگران نیز نگران کارفرمایان هستند و از ما می‌خواهند از کارفرمایان حمایت کنیم." می‌گویند از روباه مرغ دزد پرسیدند شاهدت کیه گفت دمب ام، حال حکایت عبدالملکی است که برای اثبات نظرات کذب اش (تشکلهای کارگری) سرسپرده به قدرت را شاهد می‌گیرد

با این حساب لابد ثروتهای نجومی بادامچی ها و برادران عسگر اولادی ها و روسای پیشین عبدالملکی در کمیته امام هم بخاطر ضرری است که از بابت دستمزد "ناعادلانه" و زیاد از حد کارگران به این مستضعفین مسلمان وارد شده است و عبدالملکی بر خود واجب می‌داند این ظلمی را که بر این مولتی میلیاردهای مکتبی روا داشته‌می‌شود، با کسر کردن از دستمزدهای کارگران و دزدیدن از سفره فقرا جبران کند

امتناع دولتمردان از افزایش ناچیز دستمزدهای کارگران و تلاش آنها برای تعدیل دستمزدها در حالی سعی می‌شود تبدیل به سیاست دولت شود، که بیشترین دستمزدها را مدیران شاغل در مناطق آزاد تجاری دریافت می‌کنند. یعنی درست در همان مناطقی که کارگران



کمترین دستمزدها را می گیرند و قانون کار در آن مناطق رسماً ملغی گردیده است، حقوق مدیران بیشتر از همه جا افزایش داده شده. با این وجود وزیر کار حقوق های نجومی آنها را به حساب متضرر شدن کارفرمایان نمی گذارد

سایت تابناک متعلق به محسن رضایی مسئول همه کاره امور اقتصادی در دولت روحانی در گزارشی که در این هفته منتشر کرد اسامی و عناوین برخی از این نجومی بگیران را همراه با ذکر حقوق هایی که می گیرند منتشر کرد

حقوق های دریافتی این مدیران که مطابق قانون نبایستی بیشتر از ۱۵ برابر حقوق حداقل باشد، تا ۳۰ برابر بیشتر هم پرداخت می شود. از نظر مسئولین دولتی این حقوق ها نه تورم زا و ناعادلانه هستند و نه زیانبار برای کارفرمایان. گفتنی است که انتشار این اسامی نیز به نظر می رسد به خاطر، وابستگی مدیران مذکور به دولت روحانی باشد. و عجیب اینکه افزایش حقوق کارمندان خرد دولت را این سایت دلیل افزایش حقوق کارمند ذکر کرده و کاسه کوزه حقوق های نجومی را هم سعی کرده سر کارمندان جزء و کم حقوق دولت بشکند

تابناک در گزارش خود با اشاره به سخنان عادل آذر رئیس دیوان محاسبات نوشت: "عادل آذر با اشاره به افزایش ۲۵ درصدی حقوق در بودجه ۱۴۰۰ نوشت، با توجه به ملحقیات و دریافتی های برخی مدیران، سال آینده باید انتظار حقوق ۶۰ میلیونی هم داشت و دولت در این باره دست و دلبازی کرده است

به هر صورت این صحبت های عادل آذر در این روزها محقق شده است و حقوق های بالای ۶۰ میلیون تومان را می بینیم که هر چند از "دیدگاه مردم عادی نجومی است، اما در واقع قانونی است و دیگر نمی توان به آن معترض بود

آری حقوق های نجومی از نظر مقامات دولتی اگر چه "از دیدگاه مردم عادی نجومی" است، اما "نمی توان به آن معترض بود". اما این حقوق های زیر خط فقر است که به خاطر متضرر کردن سرمایه داران باید تعدیل شود و هرچه زودتر هم باید این کار انجام بشود

گفتن این حرفها البته تازگی ندارد. مشابه این استدلال های پوچ و فریبکارانه را کارگران از روسای جمهور و وزیران کار پیشین و احزاب سرمایه داری در مورد دستمزدها شنیده اند. گوش کارگران از این حرفها پر است و دیگر فریب این شگردهای رنگ باخته را نمی خورند. خواست افزایش دستمزد یک خواست سراسری، به حق، عادلانه و عاجل است. گواه آن این همه اعتصاب و اعتراض است که سراسر کشور را فرا گرفته است. با وجود این همه گرانی و دستمزدهای زیر خط فقر هیچ دولتی با هیچ وسیله ای قادر به تحمیل فقر و گرسنگی بیشتر به مردم نیست. اگر وزیر ابله کار و دولت رئیسی نمی توانند این را بفهمند، مردم به جان آمده از دست رژیم جنایتکار آن را به آنها خواهند فهماند

از مبارزات کارگران و مزدبگیران برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

تاریخ و تئوری تعاونیها - بخش دوم

موريس آلتمان



این مهم است که تکرار کنیم فرق کلیدی بین یک خرده فروش سنتی با یک تعاونی همانا اهمیت فوق العاده اعضا-صاحبان تعاونی در کنترل آن است و نیز این واقعیت که در یک تعاونی مالکیت بین افراد برابر تقسیم می شود. یعنی هیچ کس نمی تواند مالکیت بیشتر یا سهم بیشتری از دیگری داشته باشد. به علاوه تعاونیهای مصرف، خاصه تعاونیهای کوچک، معمولاً در جاها و در آن خطوط تولیدی مستقر اند که خرده فروشان خصوصی آنها را پرخطر و غیرسودآور تلقی می کنند. با توجه به این که تعاونیها اطلاعات دقیقتری از ترجیحات مصرف کننده و از بازارها دارند، یا به اصطلاح از "اطلاعات نامتقارن" برخوردارند، می توانند بقایشان را تضمین کنند و حتی در عرصه هائی موفق عمل کنند که خرده فروشان سنتی نمی توانند

4- تعاونی مصرف (کنندگان)

تعاونی مصرف از نظر تعداد اعضا، مهمترین نوع تعاونی است. این نوع تعاونی گاه تعاونی خرده فروشی نیز نامیده می شد، زیرا نقش قابل توجهی در خرده فروشی مواد غذایی و پوشاک ایفا می کند. اعضای تعاونی مصرف صاحب تعاونی اند و مبتنی بر اصل "یک عضو، یک رأی" آن را کنترل می کنند. با این حال مدیریت روزانه امور می تواند به روشهایی مشابه شرکتهای سنتی صورت گیرد. مدیریت، به ویژه در تعاونیهای بزرگ، می تواند ساختاری کاملاً سلسله مراتبی داشته باشد. ضمناً مناسبات کار-مدیریت مشابهت بسیاری با این مناسبات در شرکتهای سنتی دارد.

در تئوری، یکی از جنبه های متمایز یک تعاونی مصرف این است که باید به بهترین طریق پاسخگوی ترجیحات اعضای خود، که صاحب آن نیز هستند، باشد. این ترجیحات متوجه نوع، کیفیت و قیمت کالاها می شوند. به علاوه هدف تعاونی نیل به بیشترین سود یا



بیشترین تفاوت بین هزینه و قیمت نیست، بلکه رساندن قیمت برای مصرف کننده به حداقل ممکن با حفظ کیفیت معین و تأمین الزامات سرمایه گذاری برای تعاونی است. البته تعاونیهای مصرف نوعاً همان قیمت‌های بازار را بر کالاهایشان اعمال می کنند و مازاد حاصله را غالباً با تصمیم اعضا، اما گاه نیز به تصمیم مدیریت، صرف سرمایه گذاری مستقیم یا تقسیم بین اعضا یا سرمایه گذاری در پروژه های اجتماعاً سودمند می کنند.

این مهم است که تکرار کنیم فرق کلیدی بین یک خرده فروش سنتی با یک تعاونی همانا اهمیت فوق العاده اعضا-صاحبان تعاونی در کنترل آن است و نیز این واقعیت که در یک تعاونی مالکیت بین افراد برابر تقسیم می شود. یعنی هیچ کس نمی تواند مالکیت بیشتر یا سهم بیشتری از دیگری داشته باشد. به علاوه تعاونیهای مصرف، خاصه تعاونیهای کوچک، معمولاً در جاها و در آن خطوط تولیدی مستقر اند که خرده فروشان خصوصی آنها را پرخطر و غیرسودآور تلقی می کنند. با توجه به این که تعاونیها اطلاعات دقیقتری از ترجیحات مصرف کننده و از بازارها دارند، یا به اصطلاح از "اطلاعات نامتقارن" برخوردارند، می توانند بقایشان را تضمین کنند و حتی در عرصه هائی موفق عمل کنند که خرده فروشان سنتی نمی توانند.

5. صندوق (تعاونی اعتبار)

یک صندوق یا تعاونی اعتبار نوعی تعاونی مصرف است که در بازارهای پولی تخصص دارد. تعاونیهای اعتبار نیز همچون تعاونیهای مصرف مواد غذایی و پوشاک از نظر تعداد اعضا از زمره بزرگترین ها هستند. صندوقها نیز بر پایه هر نفر یک رأی در مالکیت اعضای شان اند، توسط آنها کنترل می شوند و نوعاً مالکیتی محلی دارند. مدیریت روزانه صندوق به عهده هیئت منتخبی از مدیران حرفه ای است. به علاوه مناسبات کار-مدیریت غالباً از مناسبات مؤسسات مالی سنتی الگوبرداری شده است.

تعاونیهای اعتبار در بدو امر ایجاد شدند تا منابع مالی لازم برای افراد و شرکتهائی را فراهم آورند که به دشواری می توانستند این منابع را از طریق بخش سنتی تأمین کنند. امروزه این تعاونیها به مؤسسات مالی گاه بسیار بزرگی تبدیل شده اند که نیازهای افراد را در تمام سطوح درآمدی و شرکت های با اندازه های مختلف را برمی آورند. این کیفیت به آنها اجازه می دهد که ریسکهای عملیات مالی شان را بپراکنند. به علاوه امروزه صندوقهای محلی غالباً بخشی از شبکه های اعتباری منطقه ای و ملی را تشکیل می دهند، و این به آنها و به اعضای شان اجازه می دهد که از امتیازات ناشی از مقیاس و موقعیت خود، همچون مؤسسات مالی سنتی، بهره گیرند. یک جنبه کلیدی و متمایز تعاونیهای اعتبار، ظرفیت [محدود] اعضای آنها برای تعیین سمتگیری صندوق یا صندوقهای محلی آن است.

سود یا درآمد مازاد این نوع تعاونی می تواند بین اعضا تقسیم شود، یا در تعاونی یا در پروژه های اجتماعی سرمایه گذاری شود. به علاوه تعاونی اعتبار از این ظرفیت برخوردار است که اطلاعات محلی موجود را جمع آوری کند (همانچه که اطلاعات نامتقارن نامیده می شود) و با اتکا به این اطلاعات، به افراد - اعم از عضو یا غیرعضو - و شرکت ها که دارای نیازهای خاص اند و مؤسسات مالی سنتی تأمین این نیازها را پرریسک می دانند، خدمات عرضه کنند. دادن وام یکی از مرسومترین این نوع خدمات است. اما البته تعاونیهای اعتبار، درست همچون مؤسسات مالی سنتی، باید این دست امورات شان را با احتیاط لازم و کافی مدیریت کنند، چرا که در غیر این صورت، تعداد معینی وام های پرریسک می تواند یک اتحادیه اعتباری را سرانجام به ورشکستگی بکشاند.

به سرکوب سندیکاها و تشکلهای مستقل و پیگرد فعالین سندیکایی و کارگری پایان دهید!

کارگران، فعالین مدنی و سیاسی زندانی آزاد باید شوند!



تلاش برای تحمیل تشکلهای دولتی به کارگران نفت محکوم به شکست است!

صادق



سرنوشت انجمن های صنفی در شرکتهای نفتی هم نمی تواند از این قاعده مستثنی باشد. مبارزه برای تشکیل تشکلهای و نهادهای مستقل و کارآمد در هر حال و شرایط فارغ از تلاشهای مذبوحانه دولت و کارفرمایان برای ایجاد اخلال در روند این مبارزه محکوم به شکست است. در واقع هم اکنون رهبری اعتصاب سراسری کارگران پیمانی نفت، که گروه بزرگی از کارگران را عملاً با خود به همراه دارد، در بیانیه‌ای که پنجشنبه این هفته پس از خبر مربوط به این قضیه منتشر کرد مخالفت این گروه بزرگ از کارگرانی را که از بالای سرشان می خواهند برایشان تشکیل دهند اعلام کرد.

خبرگزاری ایلنا در این هفته دو گزارش از تدارک برای تشکیل انجمن های صنفی کارگری در صنایع نفتی را منتشر کرد. تصمیم به تشکیل انجمن های صنفی در صنایع نفتی ظاهراً آنطور که از گزارش مذکور بر می آید توسط تعدادی از سرکردگان اصلی انجمن های صنفی دولتی و با همکاری و همراهی مسئولین وزارت کار و کارفرمایان شرکتهای پیمانکاری گرفته شده است.

تشکیل تشکلهای کارگری در صنایع بزرگ و نفت و گاز پس از سرکوب شوراهای و سندیکاهاى مستقل کارگری در یکی دو سه سال بعد از انقلاب بهمن ممنوع شده بود. بعد از تشکیل شوراهای اسلامی حکومت و مدتی بعد تر پس از تصویب قانون کار در سال ۱۳۶۹ تشکیل شورای اسلامی و انجمن صنفی با وجود اینکه در قانون کار فعالیت شان به رسمیت شناخته شده بود، اما تشکیل آنها در واحدهای بزرگ تولیدی و صنایع نفتی را منوط به تأیید هیئت وزیران پیکرده بود. این محدودیت هنوز هم ادامه دارد.

اما چند رخداد مهم سبب شد که دولت و کارفرمایان از این موضع ۴۰ ساله سخت خود عدول کنند و خود مقدمات ایجاد تشکلهایی را که در کنترل خودشان باشد بدهند.

اولین رخداد تشکیل چند سندیکا و تشکل مستقل توسط کارگران و تقویت گرایش تشکل خواهی مستقل در کارخانه ها ست. دومین رخداد تشکیل شورای فرا کارخانه‌ای سازماندهی اعتصاب در میان کارگران پیمانی نفت و توانایی این نهاد نو پا در به راه انداختن اعتصاب و هدایت آن است.



سومین رخداد منزوی شدن شوراهای اسلامی و تشکلهای وابسته به قدرت و خارج شدن کنترل اعتراضات کارگران کارخانه ها از دست آنهاست و چهارمین مورد تاثیر گذاری اجتماعی مبارزات کارگران و دیگر گروه های مزدبگیر روی جامعه است که موقعیت و نقش طبقه کارگرا بالا برده است

این رخدادها نقش اصلی را در تغییر رویه دولت و کارفرمایان در این خصوص رقم زد که در ذات خود نتیجه و تاثیرات مبارزات کارگران است

این اما نه به آن معنی است که در خدمت کارگران و دفاع از حقوق آنهاست بلکه سوء استفاده دولت و کارفرمایان از یک خواست به منظور تبدیل آن به ضد خود است

بله این جماعت دست به دست هم داده اند تا به زعم خویش با تشکیل انجمن های قلابی کارگری، بتوانند مانند شوراهای اسلامی و انجمن های وابسته به قدرت چند هدف ضد کارگری را پیش ببرند، شناسایی سازمانگران اعتراضات، جلوگیری از تشکیل تشکلهای مستقل توسط خود کارگران و جلوگیری از اعتصابات و اعتراضات و بطور کلی اعمال کنترل کارفرمایی بجای کنترل کارگری در محل های کار

منتهی در اینکه بتوانند در این امور موفق عمل کنند، بسیار بعید به نظر می رسد. نخستین مانع بر سر آنها عدم استقبال کارگران از چنین تشکلهایی بواسطه ارتقا سطح آگاهی طبقاتی کارگران و شناخته شدن ماهیت تشکلهای وابسته و تابع قدرت است. مانع بعدی آنها نقش دشواری است که آنها باید نسبت به مطالبات کارگران و نحوه رسیدن به آنها ایفا کنند، که در واقع پاشنه آشیل تشکلهای حکومتی هستند

وظیفه اصلی یک تشکل طبعا پیگیری مطالبات اعضای آن و ارائه کارنامه از نتایج فعالیت تشکل است. معمولا تشکلهای فرمایش بواسطه وابستگی شان به کارفرما ها اگر بین دو مجمع بتوانند دوام بیاورند به دشواری ممکن است بدون تقلب و حمایت دولتی خود را احیا کنند. مثالی که برای آن می توان ذکر کرد عدم شرکت کارگران در مجمع عمومی هایی است که تشکلهای حکومتی برای احیای دوباره خود تشکیل می دهند. اکنون هنوز صدها شورای اسلامی و انجمن های صنفی در کارخانه ها وجود دارند با این حال هیچ نقشی نه در سازماندهی اعتراضات در محل های کار خود دارند و نه در اعتصابات کارگری نقش و تاثیری دارند

سرنوشت انجمن های صنفی در شرکت های نفتی هم نمی تواند از این قاعده مستثنی باشد. مبارزه برای تشکیل تشکلهای مستقل و درآمد در هر حال و شرایط فارغ از تلاشهای مذبوحانه دولت و کارفرمایان برای ایجاد اختلال در روند این مبارزه محکوم به شکست است. در واقع هم اکنون رهبری اعتصاب سراسری کارگران پیمانی نفت، که گروه بزرگی از کارگران را عملا با خود به همراه دارد، در بیانیهای که پنج شنبه این هفته پس از خبر مربوط به این قضیه منتشر کرد مخالفت این گروه بزرگ از کارگرانی را که از بالای سرشان می خواهند برایشان تشکیل دهند اعلام کرد

در بخشی از این بیانیه شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت گفته شده

دوستان! تشکل ما کارگران باید صدای اعتراض ما علیه کار پیمانی و قراردادهای موقت کاری باشد. باید صدای اعتراض ما علیه قوانین برده وار ویژه مناطق اقتصادی باشد. باید علیه امنیتی کردن بیشتر محیط های کار ما باشد. ایجاد تشکلهای دست ساز دولتی قدمی خلاف همه اینها و در راستای ایجاد خفقان بیشتر در محیط های کار ماست. اجازه ندهیم که با طرحهایی این چنینی و میدان دادن به تشکلهای حکومتی چون انجمن صنفی در صف اعتراض ما شکاف بیندازند و مبارزه ما به بیراهه برده شود.

از اعتصاب سراسری کارگران پیمانی نفت و مطالبات آنها حمایت کنیم!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



دور تازه‌ای از اعتصاب و اعتراض که از مدتی پیش توسط کارگران زحمتکش شهرداری در امیدیه در آغاز این هفته شروع شد و با سفر کارگران معترض به اهواز در روز چهارشنبه وارد چهارمین روز خود شد همچنان ادامه دارد علت اعتصاب پرداخت نشدن دستمزد، حق بیمه و دیگر مطالبات مزدی کارگران در ۴ ماه گذشته است. رجوع و شکایات کارگران تا کنون ره بجایی نبرده است و دادن گرسنگی به خانواده‌های آنها با بیرحمی خشونت باری ادامه دارد

استمرار اعتصاب سراسری کارگران نفت و ملحق شدن چند شرکت به اعتصابیون

اعتصاب سراسری کارگران پیمانی نفت در این هفته نیز با وجود تشکیل دولت جدید ادامه یافت. روند بازگشت به کار کارگران چند شرکت که به دلیل موافقت کارفرمایان با خواسته های اصلی کارگران شروع شده بود، در این هفته بواسطه پیمان شکنی کارفرمایان متوقف و تعدادی از این نوع شرکتها دوباره به اعتصابیون ملحق شدند. چند مورد اعتصاب در صنایع نفت و گاز به دلیل امتناع دولت و کارفرمایان و مجلس از اجرای قول و قرار هایشان با کارگران انجام شد که حائز اهمیت هستند و موجب تقویت انگیزه کارگران برای ادامه اعتصاب به منزله یگانه راه موثر برای رسیدن به مطالبات برحق شان شده است.

به نظر نمی رسد که دولت جدید تمایلی برای افزایش دستمزدها و بهبود شرایط نا مساعد محیط های کار از لحاظ وضعیت بهداشتی و ایمنی داشته باشد. با این همه فاکتور تعیین کنند نه تنها دولت و کارفرمایان بلکه خود این اعتصاب و تداوم آن با حفظ همبستگی و ایستایی کارگران روی خواسته هایشان است.

مسئولین نهادهای دولتی و حکومتی به همراه تشکلهای کارگری حکومتی می کوشند با دادن وعده های کاذب و انجام یک رشته اقدامات بی هزینه مثل تشکیل انجمن های صنفی قلابی مقدماتا انشقاق در میان اعتصابیون ایجاد کنند تا بتوانند اعتصاب را کم بنیه کنند و سپس آن را در هم بشکنند. در چهارشنبه این هفته اقدام برای ایجاد انجمن های صنفی در پارس جنوبی به کارگردانی مسئولین وزارت کار و با کمک انجمن های صنفی حکومتی و حمایت صاحبان شرکتهای پیمانی شروع شد. راه خنثی کردن این ترفند، سرعت دادن به تشکیل نهادهای مستقل سندیکایی توسط شورای سازماندهی به مثابه پا د زهر این تلاشهای زهر آگین دشمنان حقوق کارگران است.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت در این هفته نیز گزارش اعتصابات و اعتراضاتی را که در شرکتهای نفتی انجام شده همراه با گزارشی از روند اعتصاب سراسری را منتشر نمود. در گزارشات این نهاد کارگری که هدایت اعتصاب را به عهده دارد، پس از اشاره به اعتصاب در، پالایشگاه اصفهان، تجمع کارگران پروژه ای در ایزه، اعتراض شرکت ملی حفاری، روی خواسته های اعتصابیون تاکید دوبار شده است.

تاکیدی دیگر بر مطالباتمان" از طرف رهبری اعتصاب منتشر شد گفته می شود " در بیانیه ای که در این خصوص با عنوان



دستمزدها باید بموقع پرداخت شود و واکسیناسیون رایگان حق مسلم ماست"

بنا بر خبرهای دریافتی راننده های فاز ۱۹ هم اکنون سه ماه است که مزد نگرفته اند و زمزمه های به راه انداختن اعتصاب در میان آنان بالاست. یکی از مطالبات ما کارگران پروژه ای اعتصابی نفت پرداخت بموقع دستمزد همه کارگران در نفت در هر ماه و تسویه حساب بدهی ها بابت طلبهای مزدی مان است

خبرهای دیگر حاکی از بازگشت بخش هایی از کارگران به کار با توافقاتی است که با پیمانکاران انجام میدهند. از جمله طبق خبر شمار زیادی از جوشکاران فاز ۱۳ سر کار بازگشته اند که تاکید ما اینست که مثل همکارانمان در هفشجان و ایذه این کارگران هر چه سریعتر نمایندگان خود را انتخاب کنند و بر خواستهایی که داشته اند بویژه وضع کمپ ها کیفیت غذا تاکید کنند

در برخی مجتمع ها کارفرمایان زیر فشار اعتصاب ما به دوبرابر دستمزد و بیست روز کار و ده روز مرخصی تن داده اند. این را باید مبنای توافقات خود در سطح سراسری کنیم. همینطور خبر میرسد که بخشی از همکاران پروژه ای اعتصابی ما در فاز ۱۴ سر کار برگشته اند. اما جوشکاران هنوز در اعتصاب هستند. نقطه اتحاد ما کارگران اعتصابی خواستهای مشترک ماست. مبنای قرار دادن بالاترین سطح توافقات صورت گرفته بر سر میزان دستمزدها که توسط کارگرانی که سر کار بازگشته اند با پیمانکاران و اینکه دستمزد هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۲ میلیون باشد اولین تاکید ماست. بعلاوه ۲۰ روز کار و ۱۰ روز مرخصی یک مطالبه فوری ماست و تا کنون بسیاری از پیمانکاران حاضر به قبول آن شده اند

همینطور وضع کمپها باید بهبود جدی پیدا کرده و در هر اطاق بیش از ۴ نفر اسکان نداشته باشند و کیفیت غذا بهبود یابد و غذاخوری برای محل صرف غذا تدارک دیده شود

همچنین واکسیناسیون رایگان حق همه کارگران است. اکنون کارگران از جمله در نیشکر هفت تپه و معلمان و بازنشستگان و مردم کل جامعه بر این خواست تاکید دارند و متأسفانه می شنویم وکلایی که در اعتراض به عدم واکسیناسیون و اجرایی شدن پروتکلهای سازمان بهداشت جهانی اعتراض داشته اند دستگیر و زندانی شده اند. ما نیز بر آزادی آنان تاکید میکنیم و همراه با همه مردم بر مطالبه واکسیناسیون رایگان و همگانی تاکید داریم

اعتصاب را تا رسیدن به مطالباتمان ادامه میدهم

تاکید بر ادامه اعتصاب تا رسیدن کارگران به خواسته هایشان در تجمع اعتراضی کارگران ایذه که گزارش آن در کانال تلگرامی شورا منتشر شده نیز منعکس است

تجمع همکاران پروژه ای ما در ایذه مقابل فرمانداری

روز سه شنبه نهم شهریور بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده جمعی از همکاران پروژه ای ما در شهرستان ایذه در راستای پیگیری مطالبات خود مقابل فرمانداری شهرستان ایذه تجمع برگزار کردند. قبلاً نیز این همکاران با برپایی مجمع عمومی بر ادامه اعتصاب تا رسیدن به خواسته های خود تاکید کرده بودند. هفتاد و سه روز از اعتصاب ما کارگران پروژه ای نفت میگذارد و یک تاکید ما اینست که تا وقتی خواسته هایمان پاسخ نگیرد به اعتصاب خود ادامه میدهم. روز اعتصاب کارگران پروژه ای نفت

برگزاری مجمع عمومی و تعیین نماینده برای مذاکره با پیمانکاران و رفتن بسوی قرارداد جمعی که همکاران ما در هفشجان آغازگر آن بودند برای همه ما کارگران اعتصابی نفت راه نشان میدهد. همکاران ما ایذه اولین قدم و تشکیل مجمع عمومی را برداشته اند. میشود و باید در تمام شرکت ها نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنیم و با برپایی مجمع عمومی در روند پیگیری مطالبات خود و پیشبرد اعتصابمان دخالتر باشیم. قدرت ما در مبارزه متحد ماست

مجموعه گزارشاتی که از اعتصاب کارگران در صنعت نفت منتشر شده اند، حاکی از روحیه و آمادگی بالا کارگران برای ادامه اعتصابات شان تا رسیدن به خواسته هایشان است. همین امر مانع اصلی بر سر راه کارفرمایان و دولت برای بی پاسخ گذاشتن و توسل به زور علیه اعتصابیون است

ادامه اعتراضات کارگران شهرداری امیدیه



دور تازه‌ای از اعتصاب و اعتراض که از مدتی پیش توسط کارگران زحمتکش شهرداری در امیدیه در آغاز این هفته شروع شد و با سفر کارگران معترض به اهواز در روز چهارشنبه وارد چهارمین روز خود شد همچنان ادامه دارد علت اعتصاب پرداخت نشدن دستمزد، حق بیمه و دیگر مطالبات مزدی کارگران در ۴ ماه گذشته است. رجوع و شکایات کارگران تا کنون ره بجایی نبرده است و دادن گرسنگی به خانواده‌های آنها با بیرحمی خشونت باری ادامه دارد.

مقصر اصلی در این میان مدیران شکم سیر شهرداری هستند که درد گرسنگی و بی پولی و شرمندگی نزد زن و بچه هایشان را نکشیده و از درد و رنج گرسنگان خبر ندارند. متهم و مقصر بعدی مدیران اداره کار هستند که حسب قانون کار وظیفه نظارت بر اجرای قانون کار و مجازات کارفرمای خاطی را دارند ولی از انجام وظیفه شان بهر دلیل طفره می روند. سایر نهادهای دولتی نیز که نظاره گر منفعل قضیه هستند کمتر از دو متهم و مقصر اصلی تقصیر کار نیستند. جلوگیری جبارانه حکومت و کارفرمایان از ایجاد تشکل هم مزید بر علت شده است. هم اکنون که اعتراضات در میان کارگران شهرداریها بسیار وسیع است اگر آنها تشکل و تشکل سراسری داشتند، یقیناً این همه تحت ظلم و ستم و فشار نمی بودند. کافی است یک هفته کارگران شهرداری ها همه با هم اعتصاب کنند و بگذارند شهرها به زباله دانی تبدیل شوند تا قدر و ارزش و اهمیت کار آنها معلوم و مسئولین نتوانند این چنین بیرحمانه با زندگی آنها و خانواده هایشان رفتار کنند.

اعتصاب کارگران پالایشگاه در اصفهان

به گزارش کانال تلگرامی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، کارگران پالایشگاه اصفهان در اعتراض به افزایش ندادن دستمزد و بی پاسخ گذاشتن مطالبات شان دوباره اعتصاب کردند.

گزارش شورای سازماندهی: از اعتصاب پالایشگاه اصفهان

پالایشگاه اصفهان دوباره وارد اعتصاب شدند ODCG همکاران پروژه‌ای شاغل ما در شرکت

پالایشگاه اصفهان در اعتراض به عدم افزایش دستمزدها مجدداً دست به ODCG روز سه‌شنبه ۹ شهریور همکاران پروژه‌ای شاغل ما در شرکت اعتصاب زدند. این کارگران از جمله کارگران اعتصابی بودند که بعد از وعده های پیمانکار مبنی بر افزایش دستمزدها و ۲۰ روز کار و ۱۰ روز مرخصی سر کار بازگشته بودند. اما با توجه به اینکه کارفرما به وعده خود عمل نکرد کارگران دوباره به اعتصاب برگشتند.

یک شگرد پیمانکاران از همان آغاز وعده و وعید دادن برای ایجاد تفرقه در صفوف کارگران و شکستن اعتصاب بوده است. در جاهایی وعده افزایش دوبرابری مزد و ۲۰ روز کار و ۱۰ روز مرخصی را دادند اما بعد زیر وعده هایشان زدند. بعضاً فریب کارانه قرارداد یک ماهه بستند تا کارگران سر کار برگردند و بعد زیر توافقات بزنند. در برابر این توطئه گری ها کارگران هوشیارانه ایستاده و کوتاه نمی آیند. در محل نیز پیگیر دیگر مطالباتشان از جمله پرداخت طلبها، بازگشت بکار اخراجی ها و واکسیناسیون رایگان هستند. اعتصاب در نفت ادامه دارد و کارگران به اشکال مختلف در به اعتراضاتشان ادامه میدهند.

تجمع اعتراضی پرسنل مرکز بهداشت شیراز

پرسنل مرکز بهداشت شیراز در ۹ شهریور در اعتراض به نادیده گرفته شدن مطالبات و پرداخت نشدن حق کارانه، اضافه کاری و سختی کار و اعمال تبعیضات مزدی و شغلی تجمع کردند. معترضین در تجمع خود خواستار پرداخت مطالبات پرداخت نشده شان و همچنین از میان برداشتن تبعیضات موجود شدند. گفتنی است که امتناع مسئولین از پرداخت حق و حقوق پرستاران و کادر درمانی مختص شیراز نیست. در سراسر کشور چنین برخوردی از طرف مسئولین با کادر درمانی جریان دارد این رفتار در شرایطی با پرسنل زحمتکش و پر تلاش بخش درمان و بهداشت صورت می گیرد، که آنها برآستی از جان خود نیز برای معالجه بیماران کرونایی و سایر بیماران مایه می گذارند ولی دولت به جای تقدیر از آنها حق و حقوق بدیهی شان را زیر پا می گذارد و به تعهداتی که داده‌اند عمل نمی کند.

تغییر قانون حق سنوات و بازخرید مرخصی کارگران رسمی نفت

به گزارش خبرگزاری ایلنا مدیریت شرکت نفت مدتی است که مقررات مربوط به حق سنوات و باز خرید روزهای مرخصی کارگران رسمی را تغییر داده است ولی جزئیات تغییرات به عمل آمده را به کارگران اطلاع نمی دهد. به احتمال قوی مقصود از این پنهانکاری کاهش حق سنوات و بازخرید روزهای مرخصی و نگرانی از واکنش کارگران نسبت به آن باید بوده باشد.

ایلنا در خصوص این پنهانکاری نوشت:



به گفته آرمین خوشوقتی (مشاور روابط کار)، کارگران شاغل در مجموعه وزارت نفت از تغییر نحوه محاسبه سنوات و بازخرید مرخصی خود بی‌اطلاع هستند. نحوه محاسبه سنوات و بازخرید مرخصی کارگران مشمول قانون کار که در وزارت نفت و شرکت‌های زیرمجموعه شرکت ملی نفت ایران شاغل به کار هستند، مدتهاست تغییر کرده لیکن اغلب این کارگران از این موضوع بی‌اطلاع هستند.

بازگشت کارگران برق و ابزار دقیق پترو سام صدرا به اعتصاب

منبع: کانال شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت

بنا بر خبرهای دریافتی حدود ۱۲۰ نفر از کارگران برق و ابزار دقیق پترو سام صدرا زیرمجموعه شرکت پتروپایدار ایرانیان فاز ۱۳ بعد از ۱۳۰۰ تماس پیمانکار با آنها خواستار افزایش ۳۰ درصدی حقوق و طرح ۱۴ روز کار و ۱۴ روز مرخصی به ۱۴ شدند. ولی پیمانکار به افزایش دستمزد کارگران به بیشتر از ۲۰ درصد رضایت نداد و کارگران نیز حاضر به بازگشت به کار نشده و دوباره به صف اعتصاب پیوستند، این اتفاق نشانگر این حقیقت است که همکاران ما بر خواسته‌های خود مصر هستند و کوتاه نمی‌آیند و این چنین است که اعتصاب ادامه دارد.

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری میاندوآب

به نوشته ایلنا کارگران خدمات شهرداری میاندوآب که به صورت قراردادی کار می‌کنند در ۶ شهریور در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزدها و حق بیمه هایشان طی ۷۰۰ ماه گذشته دست به اعتراض زدند. کارگران معترض خواستار پرداخت مطالبات مزدی و حق بیمه خود شدند. ایلنا به نقل از کارگران نوشت:

این کارگران که در پنج ماه گذشته دستمزد و حق بیمه آن‌ها پرداخت نشده است، گفتند: در شرایط فعلی اقتصاد کشور که هر روز شاهد افزایش قیمت اجناس مصرفی و غیرمصرفی هستیم، نگران تامین هزینه‌های زندگی خود شده‌ایم.

به گفته کارگران شهرداری میاندوآب، شهرداری و شورای شهر هیچ برنامه‌ای برای پرداخت مطالبات آن‌ها ندارد.

تسریع در تغییر وضعیت ایثارگران شرکتی در صنعت برق

وزیر جدید نیرو دستوری مبنی بر تسریع تغییر وضعیت ایثارگران شرکتی شاغل در صنعت برق صادر کرد. او در بخشی از دستور خود که ایلنا آن را منتشر کرد نوشت: "به دستور علی‌اکبر محرابیان در راستای برنامه ارائه شده وی در دولت سیزدهم به مجلس شورای اسلامی، در این برنامه بر سیاست‌های کلی نظام در امور ترویج و تحکیم فرهنگ ایثار و جهاد، ساماندهی امور ایثارگران و تکریم و پاسداری از حق ایثارگران تاکید شده است". گفتنی است که بالغ بر ۲ هزار کارگر به صورت شرکتی و پیمانی در صنعت برق کار می‌کنند که بارها با انجام اعتصاب و اعتراضاتی خواستار تبدیل وضعیت استخدامی شان از شرکتی به رسمی شده‌اند.

تعداد ایثارگران درصد بسیار کوچکی از این ۲ هزار نفر را شامل می‌شوند. تغییر وضعیت آن‌ها اگر چه مثبت است، اما به نشانه عدم موافقت با خواست بیش از ۹۰ درصد کارگران و به نوعی سیاستی خودی و غیر خودی کردن کارگران، تبعیض آمیز و نفاق افکنانه است. کارگران شرکتی و غیر رسمی مطمئناً به مبارزه خود برای تغییر وضعیت استخدامی خود ادامه خواهند داد و رفتار تبعیض آمیز وزیر جدید نیرو انگیزه حق خواهی آن‌ها را قویتر خواهد کرد. این رویه به احتمال زیاد در سایر بخشهای اقتصادی نیز اعمال خواهد شد.

تلاش برای سرهم بندی کردن تشکلهای حکومتی در صنعت نفت محکوم به شکست است

خبر گزاری ایلنا روز یکشنبه گذشته، گزارشی از یک جلسه را منتشر کرد که توسط بخشی از تشکلهای دولتی و با مشارکت وزارت کار و کارفرمایان و ایادی آن‌ها به منظور تشکیل انجمن های صنفی تشکیل شده است.

در واقع آن‌ها می‌خواهند بجای کارگران و از بالا برایشان تشکل درست کنند! تشکلی دولتی و یک کپی از خود تشکلهای بی‌خاصیت دولتی موجود .. مقصود آن‌ها نیز روشن است. می‌خواهند چماق سرکوب درست کنند، نه تشکل واقعی.

اینک این جماعت بعد از ۴۲ سال سرکوب و جلوگیری از فعالیت تشکلهای مستقل همگی به یاد تشکل سازی برای (کارگران) افتاده‌اند، البته بی دلیل نیست. ترکیب شرکت کنندگان این جلسه بخوبی ماهیت و هدف تشکلهای مد نظر آن‌ها را روشن می‌کند.



چرا تا قبل از اعتصاب سراسری و شکلگیری سندیکای مستقل و شورای کارگری در هفت تپه و تشکیل شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت خبری از این جماعت نبود؟ دلیل به دست و پا افتادن شان جز انجام این تحولات نیست. به واقع آنها برای تخریب تشکلهای مستقل و کارآمد خیز برداشته‌اند.

علت دیگر به قدرت رسیدن دولت رئیسی وارث دولت احمدی نژاد و نفوذ طرفداران دولت احمدی نژاد در دولت است که انجمن های صنفی را در رقابت با شوراهای اسلامی وابسته به دارودسته رفسنجانی تشکیل داد.

دولت رئیسی می خواهد از این میراث دولت احمدی نژاد جهت پیشبرد اهداف دولت خودش استفاده کند. مسابقه‌ای که برای تبریک و تجلیل از وزیر کار جدید بین روسای انجمن های صنفی و شوراهای اسلامی شکل گرفت حاکی از این مسئله است.

از همه اینها گذشته، نه کارفرما، نه دولت و نه انجمنهای صنفی دولتی و هیچ تشکل دیگری اعم از مستقل و نا مستقل نه حق تصمیمگیری و ساختن تشکل برای کارگر را دارند و نه اقدامات این چنینی مشروعیت دارند. طبق مقوله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین المللی کار هیچ احدی به غیر از خود کارگران اساسا حق دخالت در امورات تشکلهای سندیکایی کارگران را ندارند.

یقینا کارگران آگاه ایران که تجربه انجمن های صنفی و شوراهای اسلامی را پشت سر گذاشته‌اند، تن به چنین تشکلهایی که در خدمت دولت و ! کارفرمایان قرار دارند نخواهند داد و بجای آن تشکلهای مستقل و کارآمد خود را تشکیل داده و خواهند داد.

پیگرد فعالین سندیکایی آنها را از راه شان باز نخواهد گرداند

خبرهای منتشر شده در کانال های تلگرامی کارگری حاکی از تداوم پیگرد و آزار و اذیت فعالین سندیکایی و کارگری و همچنین وکلای مدافع آنان دارد. در چند هفته اخیر تعدادی از فعالین تشکلهای صنفی فرهنگیان و بازنشستگان بازداشت و زندانی و یا توسط نهادهای سرکوبگر امنیتی رژیم به دلیل فعالیتهای صنفی احضار شده‌اند. بنا به گزارش کانال تلگرامی کانون صنفی فرهنگیان در این هفته نیز خانم محبوبه فرحزادی معلم بازنشسته آموزش و پرورش ناحیه ۶ تهران به دادگاه احضار شد. علت احضار این فعال فرهنگی بازنشسته پیگیری مطالبات بازنشستگان و شرکت در یکی از تجمعات آنها مقابل تامین اجتماعی در ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۰ بوده است. سند محکومیت ایشان گویا در دسلالت داشتن کاغذی بوده است که روی آن نوشته بود، منزلت، معیشت، حق مسلم ماست. از نظر دستگاه سرکوبگر قضایی گویا این شعارها در نظم مملکت اخلاقی را سبب شده است! این احوال این بگیر و ببند ها فعالین سندیکایی را از راهی که برای احقاق حقوق شان برگزیده‌اند باز نخواهد داشت. تا کنون که چنین بوده از این پس نیز چنین خواهد ماند.

دولت موظف است برای بیکاران کار ایجاد کند و حقوق بیکاری به همه بیکاران پرداخت کند!

دولت باید واکسن و معاش تهی دستان و آسیب دیدگان از کرونا را تامین کند!

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را**

می توانید در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>